

زبان فارسی می ماند یا می میرد؟

نوشته دکتر هوشنگ طالع

میلادی چه خواهد بود. به عهده کدام سازمان برخاسته از بطن و متن مردم و ملت ایران است؟

هنگام ورود به سده بیستم، به دلیل ناکافی بودن انباشت دانش در کشور و از آن مهم‌تر عدم توفیق در رهنمون شدن مردم کشور به دانش‌اندوزی و در این فرآیند «تهی‌دستی» نتوانستیم در این بازار دادوستد دانش با «دستاری پر» از بازار سده بیستم به قرن بیست و یکم پای نهمیم. هرگاه در بر همین پاشنه بچرخد و ملت ایران نتواند زنجیره‌های جهل و خرافه را در هم گسلد و واقعیت جهان امروز و فردا را شناسد و نداند که به گفته فردوسی «توانایی در دانایی» است، این بار نیز به دلیل تهی‌دستی، به گفته سعید شیراز با دستار خالی از این بازار «رقابت»، و یا به گفته بهتر «تنازع بقا»، بیرون خواهد آمد.

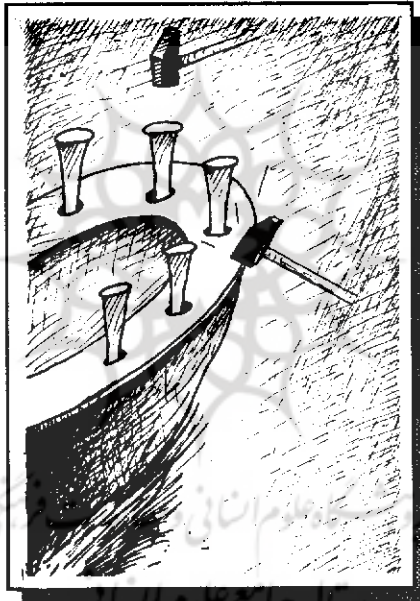
نخستین باده کاندر جام کردند،
ز چشم مست ساقی وام کردند.

(عراقی)

زبانی را که امروز آن را به نام فارسی می‌نامیم، فرآیند دگرگونی و فراگشت زبانی است که نخستین بار، انسان با آن زبان با پروردگار، سخن گفته است. یا به گفته بهتر، با آن زبان کوشید تا از جزء به کل پیوندد و «عالم خرد» (انسان) را با «عالم کلان» (جهان هستی)، دریندد.

در هزاره‌های ناشناخته تاریخ که افلاتون (پلاتو) آن را شش هزار سال پیش از خود می‌داند، زرتشت اسپنتمان، نخستین «باده» را که از «چشم مست ساقی» به «وام» گرفته بود، در جام تهی بشریت ریخت و از آن جهانی را تا به امروز و تا فرادهای ناشناخته، سرمست کرده و خواهد کرد. بدون تردید، اشاره «عراقی» در بیت بالا و غزل همراه آن و «رازی» که از آن سخن می‌گوید و حافظ شیراز سربلندی «دار» را از هویدا کردن «اسرار» از سوی منصور حلاج می‌داند و... نخستین مردی است که توانست

سده‌های پیشین، سده و هزاره «فراز انسان» است. فرارفتن از آن چه که در گذشته و حال به گونه پندار و وهم (و آن هم به صورت نادقیق و ناپخته) در مخیله برخی از دانایان قرار داشته و دارد. «سده و هزاره فراز»، بدون تردید، سده جهانی شدن نیز هست. سده نزدیک‌تر شدن مردمان به یکدیگر و در این فرآیند، دوران بهره‌گیری از زبان‌های کم‌تر برای سخن گفتن و تبادل اندیشه با یکدیگر.



راستی را، کدام زبان؟ راستی را، کدام زبان، زبان نخست گفت و گو میان مردمان خواهد بود؟ کدام زبان به عنوان زبان علم خود را نشان خواهد داد؟ کدام زبان را مردمان برای بازگو کردن معانی فلسفی برخواهند گزید؟ زبان شعر و ادب، کدام خواهد بود...؟ در این میان، پرسش اساسی این است که زبان ملکوتی فارسی، چه سرنوشتی خواهد داشت؟

راستی را، امروز کدام سازمان با کدام آرمان‌گرایی و کوله‌بار سنگین علمی، وظیفه پاسداری و گسترش زبان فارسی را به عهده دارد. مهم اینکه، پاسخ‌گوی این پرسش که مقام زبان فارسی در سده بیست و یکم و هزاره سوم

گرچه با وجود ادیبان، فرهیختگان و زبان‌شناسان، سخن گفتن پیرامون زبان فارسی از سوی کسی که نه ادیب است و نه زبان‌شناس، روا نیست، اما احساس کردم که قبول این کاستی‌ها، چیزی از احساس وظیفه ملی نمی‌کاهد. گرچه، به دلیل بهره‌مند نبودن از تخصص ویژه در این زمینه، سخن نمی‌تواند از ژرفا و درون‌مایه لازم برخوردار باشد اما گمان بردم که شاید «سوختگی دل»، بخش کوچکی از این کمبود را جبران کند.

ای تهیدست رفته در بازار
ترسمت، پُر نیآوری دستار

(سعدی)

در لحظه‌هایی که مردم میهن ما، دست به گریبان شناسایی آمران، عاملان و مجریان قتل‌های زنجیره‌ای و یا به گفته‌ای، «محفلی» بودند و در این راه توفیق نیافتند، فاجعه کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز، غم دیگری بر دل مردم درکشیده میهن ما افزود، بشریت با دست‌آوردی شگرف و کوله‌بار سنگینی از «دانش»، گام به سده بیست و یکم و هزاره سوم میلادی نهاد.

گرچه هرگاه به جای میلاد مسیح، میلاد یا بعثت زرتشت را برای بشریت برمی‌گزیدند و یا اینکه «شکل بخشی» آیین انسانی ملت ایران در قالب منشور آزادی انسان و حقوق بشر کورش بزرگ را پایه قرار می‌دادند، امروز در هزاره ششم یا هفتم و یا دست‌کم در میانه هزاره سوم قرار می‌داشتیم. اما در آن صورت نیز واقعیت‌های موجود با تغییر گاه شماری، دگرگون نمی‌شدند:

ملت ما یا به گفته بهتر، مردم میهن ما، با همان میزان اندک دانش و «دانش سرانه» ناچیز، در همان جایی قرار می‌داشت که امروز ایستاده است.

سده بیست و یکم و هزاره سوم میلادی، در مقایسه با دست‌آوردهای بشر در هزاره‌ها و

نیز در شعر نادرناز بود، مهدی اخوان ثالث، فریدون مشیری و... هم‌چنان جاری است. سخنی که حافظ شیراز، یکی از والاترین سرایندگان و پرستندگان «عشق»، از آن در عجب است که:

یک قصه پیش نیست، حدیث عشق وین عجب
از هر زبان که می‌شنوم، نامکسر است

شکرشکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

(حافظ)

ضرورتی پیش آمد که چندی پیش در شهر «ون کوور» (Vancouver) کانادا همراه با خواهر و همسرش سوار تاکسی شویم. راننده پس از لحظاتی گوش فرا دادن به گفت‌وگوی ما، به زبان انگلیسی گفت: من سخنان شما را می‌فهمم، اما نمی‌توانم به فارسی سخن گویم. چون از تبارش پرسیدم، گفت از هندوستانم و افزود که ما در این‌جا (وان کوور)، نشست‌های مرتبی برای

گذشت هزاره‌ها، بشریت از نوشیدن آن سرمست است.

زرتشت، با کلام و واژگانی که فرآورده‌های سرمستی از آن خم‌خانه و جام و ساقی است، در قالب «گات»ها (سرودها)، از فرود زمین با فراز آسمان سخن می‌گوید، به زبانی که پس از گذشت هزاره‌ها، در ریخت و واژگان فارسی امروزین (فارسی‌دری)، سیلان دارد و زنده است.

از این روی و از آن‌جا که نخستین باده عشق را در جام این زبان ریخته‌اند، زبان فارسی را زبان «ملکوتی» می‌نامند و می‌دانند. گزافه نیست که اگر مردم ما بر این باورند که:

اگر جفت‌گرده به انسان پری

پری، جز نکوید به لفظ دری

آری، زبان فارسی، فرزند زبانی است که نخستین بار انسان با آن از «عشق» سخن گفته است. سخنی که در درازای سده‌ها و هزاره‌ها، از سوی نخستین سراینده آن تا کلام جلال‌الدین بلخی، حافظ شیراز و... به اوج خود رسید و امروز

با وام‌گیری از چشم مست ساقی، نخستین باده را در جام بشریت بریزد. البته باید به یاد داشته باشیم که خیل عظیمی از وارستگان و فرهیختگان ملت ایران در درازای نزدیک به یک هزار و چهارصد سال، آن خم‌خانه بزرگ را از زبان اوستایی به زبان ملکوتی فارسی برگرداندند تا در حافظه و روان تاریخ، جاودانه‌تر گردد.

گستره حیرت‌انگیز زبان فارسی

چنانکه گفته شد، اشاره عراقی و در این راستا، اشاره دیگر وارستگان و فرهیختگان و پیروان مکتب عشق، بدون تردید به مبدأ یا نخستین کوشش انسان درگذر از خود و رسیدن به «او»ست. تا با معشوق به سخن در نیایی و در گفتار تصور روی او را نداشته باشی، تا با ساقی سخن نگفته باشی و در سخن چشم مست وی را ندیده باشی، از چشم مستش «وام» نتوانی گرفت و شرابی در جام نتوان کردن که هنوز پس از

ساختمان یک سرمایه ملی است

آجران یزد

تولیدکننده انواع آجر سفال ۴-۳/۵ و ۵ سانت و لب‌گرد

هدف ما: بهترین کیفیت - مناسب‌ترین قیمت

تعهد ما: ضمانت مرغوبیت - تحویل به موقع

افتخار ما: استفاده از بهترین مواد اولیه ایران و بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته آلمان

آجران یزد

همیشه یک قدم جلوتر در کنار شما

فقط به نمایندگی‌های مجاز در سراسر کشور که دارای کد می‌باشند مراجعه نمایید.

دفتر مرکزی: یزد میدان ساعت مارکار - شرکت یزد گنبد

فاکس: ۶۶۲۶۴۸ تلفن: ۶۶۹۰۶۶-۶۶۱۴۱۶-۶۶۰۰۵۹-۳۵۱.

دفتر تهران: ۲۲۵۷۸۷۸-۲۲۵۲۶۴۸-۹۱۱۲۱۳۳۸۶۲

به نشان آجران یزد توجه کامل داشته باشید

خواندن مثنوی، حافظ و بیدل داریم و...
بی‌اختیار به یاد ابن بطوطه، جامعه‌شناس و جهانگرد مغربی (مراکشی) افتادم که در زمان سعدی به چین رفته بود و در میهمانی یکی از بزرگان آن دیار، دوشیزه یا بانوی خواننده، شعر سعدی شیراز را می‌خواند.
گرچه شاید قیاس این دو مورد در آغاز ناصواب آید، اما شاید برای مرور کوتاهی بر سرنوشت زبان فارسی در چند سده اخیر، مناسب باشد.

روزگاری نه چندان دور، زبان فارسی، زبان نخست آسیا بود؛ این، تنها ادعا نیست بلکه در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
نخست آن‌که زبان فارسی به مانند زبان فرانسه که روزگاری دراز به عنوان زبان دربارهای اروپا به شمار می‌رفت، زبان دربارهای بخش بزرگی از قاره (کوره) پهناور آسیا بود. در «باب عالی» یا دربار عثمانی به فارسی سخن می‌گفتند و بسیاری از فرمان‌ها را به فارسی می‌نوشتند. برخی از امپراتوران عثمانی به فارسی شعر نیز می‌سرودند. زبان رسمی دربارهای محلی هند، فارسی بود و حتی پس از اشغال هندوستان از سوی امپراتوری انگلیس، تا زمان‌های دراز در دوران حکومت انگلیسی هند، همه فرمان‌ها به فارسی نوشته می‌شدند. زبان رسمی امارت بخارا و خیوه... که وابسته به شاهنشاهی ایران بودند نیز فارسی بود.

دوم - زبان فارسی، در بخش بزرگی از آسیا، زبان گفت‌وگو و در بخش بزرگ‌تری، زبان ارتباطی بود. زبان فارسی در بخش‌هایی از میان رودان (بین‌النهرین)، سرزمین امروزی ایران، افغانستان، بخش‌هایی از افغانستان و در سرتاسر جمهوری‌های نوخاسته ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و... زبان گفت‌وگوی مردم و زبان رسمی مردم بود.

از سوی دیگر، زبان فارسی در سرتاسر شبه قاره هند، قفقاز، آسیای میانه، بخش‌هایی از امپراتوری عثمانی و... زبان ارتباط مردمان با یکدیگر بود.

بدین‌سان، زبان فارسی در بخش‌های بزرگی از آسیا، زبان ارتباطی بود و هم‌زمان به عنوان زبان گفت‌وگو و زبان رسمی مردم نیز به شمار می‌رفت. سه ضربه اساسی بر پیکر زبان فارسی در سده بیستم وارد آمد. از سویی با فروپاشی امپراتوری عثمانی و پیروزی ترک‌های جوان و دنبال کردن اندیشه بی‌پایه و بنیاد پان ترکسیم از سوی وارثان امپراتوری عثمانی، «ترک‌سازی» در آسیای کوچک، روندی خشن و قهرآمیز به خود گرفت. در نتیجه حاکمان ترکیه کوشیدند تا

با تغییر خط و جانشین کردن زبان محاوره به جای زبان ادبی، پیوندهای ژرف زبان ترکی با فارسی را گسسته و مخلوق جدیدی به وجود آورند. در این زمینه مراجعه به فرهنگ‌های ترکی در دوران امپراتوری و دوران اخیر، بسیار روشن‌گر است.

**اگر فقط بخشی از آن
چه رابه پای زبان‌های
دیگر می‌ریزیم،
هزینه گسترش زبان
فارسنی کلیم،
می‌توانیم این زبان
ملکوتی را در جایگاه
شایسته‌اش قرار
دهیم.**

امپراتوری انگلیس، پس از استیلا بر هند، برای محو پیوندهای ژرف میان مردم هند و ایران، دست‌اندرکار ریشه‌کن کردن زبان فارسی در هند شد. به طوری که امروز در شبه قاره، زبان انگلیسی تا حدود زیاد جای زبان فارسی را گرفته است.

تزارهای سرخ نیز پس از استیلا بر امپراتوری روسیه، با شدت وحدت دست‌اندرکار ریشه‌کن کردن زبان فارسی در منطقه قفقاز و آسیای میانه شدند تا بتوانند به جای آن، زبان روسی را زبان ارتباطی مردمان مزبور قرار دهند و از همه مهم‌تر این‌که پیوندهای دیرین میان مردمان دو سوی مرزهای تجزیه را با کم‌رنگ کردن زبان فارسی، از هم بگسلند. نخستین کوشش آنان در این راستا، برانداختن خط فارسی و جایگزین کردن آن با خط کربل یا سزیل بود. هم‌زمان با ایجاد مرزبندی‌های دروغین در آسیای میانه، جعل نام برای واحدهای ایجاد شده و جدا کردن شهرهای تاریخی چونان خجند، مرو، سمرقند و بخاران از یکدیگر بزرگ‌ترین ستم را بر زبان فارسی در بنگاه اصلی آن یعنی «ایران‌ویج» و بنگاه زبان فارسی دری، روا داشتند.

نفرین زمانه بر این نانسان‌های ضدفرهنگ.

گستره زبان‌های ایرانی

در این‌جا، برای ارج‌گذاری به زحمت دیگران و از همه مهم‌تر جبران کم‌مایگی خود در این زمینه، این بخش را از نوشتار بانو ویدا صارمی (مجله وهومن - شماره ۱۷ - دی‌ماه ۱۳۷۷ خورشیدی) وام می‌گیرم.

زبان‌های ایرانی، دارای شاخه‌های زیادی است که فارسی امروزی نیز یکی از شاخه‌های آن و یا به گفته دیگر، نیرومندترین و پهناورترین شاخه آن، می‌باشد.

برپایه نظرهای مستشرقین که به نظریه کلاسیک‌مشهور است، زبان‌های ایرانی عبارتند از

۱- زبان‌های ایرانی باستان:

مهم‌ترین این زبان‌ها، عبارتند از: اوستایی، فارسی باستان، سکایی و مادی. بدون تردید، زبان‌های دیگری نیز در این رده وجود دارند که تاکنون نوشتاری از آنها به دست نیامده است. در این زمینه با احتمال زیاد می‌توان از سفدی کهن و... نام برد. گروهی از مستشرقین بر این باورند که زبان‌های ایران باستان، خود فرزند زبان‌های دیگری به نام زبان‌های ایران کهن، می‌باشند.

۲- زبان‌های ایرانی میانه:

شامل زبان پهلوی یا پارسی میانه (که عبارتند از: پارسی، ساسانی و...)، تخاری، خوارزمی، سفدی و...

برخی زبان‌شناسان بر این عقیده‌اند که دیرین‌ترین اثر زبان فارسی میانه، مربوط به زبان تخاری است که در شمال سرزمین کنونی افغانستان بدست آمده است.

۳- زبان‌های ایرانی نو:

این زبان‌ها عبارتند از: پارسی، کردی، گیلکی و مازندرانی، تالشی، گالشی (گروهی از دانشمندان، این دو را از شاخه گیلکی می‌دانند)، سفدی نو، یغتایی، پشتون، لری، بلوچی، تاتی، گونه رازی، گویش تاجیک و زبان‌های پامیر مانند ساری کولی، واریش، کاشمی، واخانی. آسی یا سکایی‌نو که دارای دو شاخه ابرونی و تیکرونی یا دیگرونی است و نیز تعدادی زبان‌های دیگر. گروهی از پژوهش‌گران زبان، از جمله آقای دکتر «محمدعلی سجادی» اعتقاد دارند که دست‌کم باید موارد زیر را به نظریه کلاسیک (یا مستشرقین)، افزود:

نخست - در گروه زبان‌های ایرانی باستان:

زبان‌هایی مانند خوزستان باستان، سومری و لولویی، با توجه به واژگان، اصطلاح‌ها و پیوندهای فراوان آنها با دیگر زبان‌های ایرانی و این‌که خاستگاه و زادگاه آن‌ها در فلات ایران

و یا یکی دیگر از زبان‌های ایرانی سخن می‌گویند. در هندوستان، بنگلادش، سیلان و... هنوز فارسی نفوذ دارد و در زمینه ادبیات و شعر، کاربرد بسیار.

هنوز هم، اگر به خود آیم و بخشی از آن چه را که در پای زبان عربی و انگلیسی و... می‌ریزم، هزینه گسترش زبان فارسی و حمایت از آن کنیم، می‌توان زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی را در جایگاه شایسته قرار داد.

از نخستین اقدام‌ها، فراخوان فرهیختگان این سرزمین و دیگر سرزمین‌های پهته فرهنگی زبان‌های ایرانی، به نشان دادن راهکارها و راهبردها در زمینه حمایت و گسترش زبان فارسی است. از اقدام‌های دیگر، ایجاد فرهنگستان مشترک زبان‌های ایرانی و نیز پژوهش و آشکارتر کردن پیوندهای زبان‌های ایرانی و... می‌باشد. امید چنین باد که فرهیختگان مسئولیت‌های خود را ژرف‌تر درک کنند و مسئولان نیز.

۱- تاشقورقان در دل کوه‌های پامیر قرار دارد - نادره بدیمی -

نامه پارسی

زبان‌های از شاخه زبان‌های ایرانی. مردمان جمهوری تاجیکستان، اکثریت مردم جمهوری ازبکستان، بخش‌هایی از جمهوری ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان در آسیای میانه، به فارسی سخن می‌گویند. در قفقاز، هنوز آثار زبان فارسی پابرجاست و هم‌چنین در میان رودان.

در کنار ایران، در افغانستان نیز با وجود سلطه‌طلبه‌های انسان‌نما، زبان غالب، فارسی است، گرچه طالبان می‌کوشد تا با زور شلاق، زندان، شکنجه و قتل، یکی دیگر از شاخه‌های زبان فارسی، یعنی پشتو را به جای آن بنشانند، چیزی که با وجود تلاش بسیار، امپراتوری انگلیس در بیش از یکصد و پنجاه سال و با وجود سپردن تاج و تخت سرزمین افغانستان به خاندان‌های پشتون‌تبار از عهده آن برنیامد.

از سوی دیگر، کمابیش ۲۵ میلیون تن از مردمی که در تحت سلطه حکومت ترکیه و حکومت‌های عربی قرار دارند، به زبان کردی سخن می‌گویند.

مهم این‌که مردم پاکستان که امروزه کمابیش ۱۳۰ میلیون تن می‌باشند، به زبان اردو

بوده است، در رده زبان‌های باستان، قرار گیرند. دوم - زبان‌هایی که به ظاهر غریب‌اند، اما در اصل نزدیک:

زبان‌هایی مانند اردو، پنجابی، آذری، داغستانی و... گرچه همان‌گونه که اشاره شد به ظاهر غریب‌اند، اما سرشار از واژگان، ترکیب‌ها، اصطلاح‌ها و ادبیات ایرانی می‌باشند.

سوم - زبان‌های کشمیری و نورستانی (یا کافرستانی):

این زبان‌ها، حتی به تأیید و عقیده برخی از مستشرقین، از زبان‌های ایرانی به شمار می‌روند. البته باید یادآوری گردد که هریک از زبان‌های ایرانی، دارای زیرشاخه‌های گوناگونی است. برای مثال، کردی جدید، دارای چندین شاخه اصلی است. زیرشاخه‌های یاد شده، عبارتند از: لولو، زازا، کرمانجی، گورانی، کلهری و...

اما، با وجود همه این ناملايمات، امروز نیز فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی، گستره‌ای از بلندی‌های پامیر تا کناره‌های دریای مدیترانه را در برمی‌گیرند. هنوز نیز «بام‌نشینان» جهان در تاشقورقان^(۱) به زبان فارسی سخن می‌گویند و کردان کناره‌های دریای مدیترانه به یکی از

مشاورین سیستم های کیفیت ISO- 9000 و QS 9000

مدیریت زیست محیطی ISO-14000

سلامت و ایمنی غذا HACCP

شرکت تکناز آتیه

شرکت پیشبران کیفیت

(دارای مجوز از وزارت صنایع)

تاکنون بیش از ۲۰ شرکت ایرانی شناخته شده ما را به عنوان مشاور خود انتخاب کرده اند

و موفق به دریافت گواهینامه شده اند.

ماهنامه ارتباطات در مدیریت

فعالیت‌های فرهنگی انتشاراتی :

دو ماهنامه ISO9000 و استانداردهای بین المللی

نشانی : خیابان استاد مطهری - پلاک ۱۸۰ - طبقه اول کد پستی : ۱۵۷۵۹

تلفن : ۸۳۳۲۹۶ - فکس : ۸۳۰۶۲۴